

## تبعات مثبت و منفی اقتصاد زیرزمینی

## خوب، بد و زشت!

**رشد فعالیت در بخش غیررسمی، اگر چه حاصل سیاست‌های غلط دولت است، اما پیامدهای مثبت آن نیز تأمل برانگیز است.**

اصلاح نظام مالیاتی در کنترل اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی مؤثر است، اما به هیچ وجه نمی‌تواند شرط کافی باشد. پس باید سیاستی چند وجهی اتخاذ شود که قبلاً اثرات منفی آن در سایر بخش‌های اقتصادی کاملاً بررسی شده باشد. به عنوان مثال، فرانسه و آلمان برای کنترل نرخ بیکاری به کاهش ساعات کار در بخش رسمی اقدام کردند تا از این طریق به رشد اشتغال کمک کنند، اما این مسأله به رشد پدیده اقتصاد سایه در این دو کشور منجر شد. با کاهش ساعات کاری نیروی کار، جدای از رشد اشتغال - که البته راه درمان بیکاری نبوده و فقط در کوتاه‌مدت پیامدهای آن مثبت ارزیابی می‌شود - عملاً راه ورود نیروی کار به بخش غیررسمی باز شد. بر اساس گزارش بانک جهانی در اواخر دهه ۹۰ میلادی، ۳۵ ساعت کار در هفته برای بازار کار آلمان و فرانسه در نظر گرفته شد و این کاهش ساعات کاری نیروی کار در بخش رسمی به افزایش اقتصاد غیررسمی آلمان و فرانسه، به ترتیب معادل ۲/۱۱ و ۴/۳۶ درصد GDP در سال ۲۰۰۰ منجر شد. حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، بهره‌مندی از شبکه ارتباطات، گسترش آن برای شناسایی بهتر و عملکرد مناسب‌تر برای کنترل بخش غیررسمی و زیرزمینی اقتصاد از تأثیرگذارترین سیاست‌های این مقوله است.

## پیامدهای مثبت!

اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی، علیرغم نکات

دقت نظر در اقتصاد کشورهای جهان نشان می‌دهد بعضی فعالیت‌های غیررسمی - عموماً از نوع فرارهای مالیاتی و فعالیت‌های غیرقانونی - وجود دارد که در همه جای جهان گریزناپذیر بوده و به فرارهای مالیاتی و قوانین بازدارنده حکومتی باز می‌گردد. متأسفانه این نوع فعالیت‌ها سال به سال در حال گسترش و نمو است. یکی از مهمترین اثرات منفی این فعالیت‌ها در سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت است. با افزایش حجم فعالیت‌های غیررسمی، دامنه تراز درآمد-مخارج دولت متلاطم می‌شود که پیامد آن در دو بُعد قابل بررسی است. در بُعد اول از آنجا که بخش اعظمی از اقتصاد ایران دولتی یا شبه دولتی است، عمده درآمدهای دولت کاهش می‌یابد و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌های مولد درون جامعه رو به افول می‌رود. پیرو این مسأله، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه نظیر ضریب جینی - که به محاسبه توزیع ثروت و عدالت در میان مردم می‌پردازد - افزایش می‌یابد. در نهایت، دولت به دلیل کاهش درآمدهای خود با کسری بودجه مواجه می‌شود و احتمالاً، با چاپ اسکناس‌های بدون پشتوانه، تورم تورم داخلی را داغ‌تر می‌کند. در این بین، افزایش اختلاف طبقاتی و گسترش فقر در جامعه را نباید از یاد برد. بُعد دوم مسأله با رشد کسری بودجه دولت و تلاش برای برقراری تعادل میان درآمدها و هزینه‌ها و در نتیجه افزایش نرخ‌های پایه مالیاتی است. نتیجه این افزایش مالیات، چیزی جز رشد مجدد اقتصاد غیررسمی نخواهد بود.

دیگر تبعات منفی بخش غیررسمی را می‌توان در بازار نیروی کار بررسی کرد، با افزایش حجم بخش غیررسمی، زمینه فعالیت نیروی کار در بخش غیررسمی مهیا می‌شود که خود سرآغازی بر افزایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی است. بر اساس برآورد کارشناسان واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، میانگین رشد اقتصاد غیررسمی و فعالیت‌های زیرزمینی در کشور طی ۳۰ سال گذشته، معادل ۱۴/۶۵ درصد محصول ناخالص داخلی (GDP) بوده است.

باید به این نکته توجه داشت که اگرچه

از این مسأله دارید؟

با یک پیش زمینه به سؤال شما پاسخ می‌دهم. در علم مکانیک، اختلاف فشار سیال درون یک مخزن و خارج از آن بسیار مهم است. هرچه این اختلاف بیشتر باشد، هم باید از آلیاژ ضخیم‌تری استفاده کنیم و هم باید درصد بیشتری را برای نشت سیال در نظر بگیریم.

عین همین مسأله هم در یارانه‌ها وجود دارد. وقتی بنزین در داخل کشور ۱۰۰ تومان و در خارج از مرزها فراتر از ۳۵۰ تومان باشد، متحمل فشار است. اگر فشار آن را متعادل و یکسان‌سازی کنیم، دیگر نشتی نخواهیم داشت که مسأله قاچاق هم حل خواهد شد.

**اقتصاد ایران: آیا آزادسازی قیمت بنزین تبعات منفی برای قشر کم‌درآمد جامعه ندارد؟**

خیر. به سؤال شما این گونه جواب می‌دهم؛ ما یک عدالت داریم. یک درجه پایین‌تر از آن، مساوات و در درجه بعدی ظلم. اگر هر کس، هرچقدر که قدرتش برسد بخواهد از یارانه انرژی استفاده کند به معنای ظلم است. باید یارانه‌ها به هرکس که مستحق‌تر است تعلق بگیرد. مصرف انرژی یک روستایی بسیار کمتر از یک آدم ثروتمند در کلان‌شهری نظیر تهران است. اگر هدفمندی انجام پذیرد، هم به عدالت می‌رسیم و هم قاچاقی که در سؤال قبل اشاره داشتید حل خواهد شد.

**اقتصاد ایران: اما بر اساس اطلاعات موجود، دهک پایین درآمدی جامعه، رقمی معادل ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه خود را صرف مواد غذایی می‌نمایند. حال اگر یارانه‌ها برداشته شوند، بالطبع تولیدکننده کالاهای اساسی نظیر قند و شکر و یا مواردی از این قبیل، به دلیل افزایش هزینه‌های خود، اقدام به افزایش قیمت خواهد نمود که همین مسأله زندگی این افراد را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظرتان در این رابطه چیست؟**

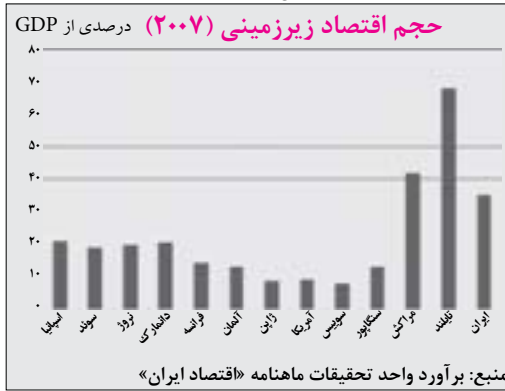
بله با این حرف شما کاملاً موافقم. به همین دلیل هم، دولت وقت بسیاری روی اجرای این مسأله انجام داده و البته انجام خواهد داد. نحوه اجرای این مقوله، خود اهمیت بسیاری دارد. اجرای بازپرداخت نقدی یارانه‌ها یکی از راهکارهای موجود است که اگر درست انجام نشود، علاوه بر مسأله‌ای که شما فرمودید، حتی می‌تواند به افزایش تورم هم منجر شود.

**اقتصاد ایران: متشکریم.**



منبع: ماهنامه «اقتصاد ایران» از Forbidden Planet

بی شک در صورت وجود فرصت‌های شغلی و توزیع درآمد مناسب، اقتصاد تمایلی به سمت فعالیت‌های غیررسمی و زیرزمینی پیدا نمی‌کند، چرا که چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری‌های مولد که منجر به گسترش خط تولید بنگاه‌ها می‌شوند، توانایی ادامه فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد را نخواهند داشت و قوانین دست و پاگیر دولتی و بوروکراسی بی‌مورد ثبت اسناد اداری، زمینه ورود سرمایه‌گذاری را به اقتصاد غیررسمی فراهم می‌آورند. در پایان ذکر این مطلب هم ضروری است که بر اساس گزارش منتشره در ژوئیه ۲۰۰۶ بانک جهانی، به طور متوسط با آسان‌سازی فضای کسب و کار، رقمی در حدود ۱۰ درصد از بخش غیررسمی اقتصاد کاهش می‌یابد که با توجه به



این امر، اصلاح قوانین کسب و کار - که متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد تنزل رتبه کشورمان در این مقوله و در میان رده‌بندی‌های جهانی بوده‌ایم - می‌تواند به عنوان یک قدم مهم در این راه به حساب آید. ■

منفی فراوان، نکات مثبت اندکی نیز دارد. میلتون فریدمن، اقتصاددان شهیر نئوکلاسیک، در اظهار نظری جالب، اساساً بخش غیررسمی را برای اقتصادی مناسب می‌داند. وی ادعان دارد که وجود قوانین و مقررات محدودکننده دولتی مانع از شکل‌گیری بازار رقابتی و آزاد است و باعث رجوع به اقتصاد غیررسمی می‌شود. وقتی خریدار و فروشنده کاملاً با انجام معامله‌ای موافقت، دلیلی ندارد که با قوانین محدودکننده، آنها را از آزادی اقتصادی منع کنیم. علاوه بر این، جالب است بدانید دیدگاه نئوکلاسیک‌ها این است که اگر اقتصاد غیررسمی بتواند به تقاضای محیط اقتصادی برای خدمات شهری و مقیاس‌های کوچک کارخانه‌ای پاسخ دهد، نه تنها بد نیست که حتی باعث افزایش کارایی می‌شود و زمینه رقابت بخش رسمی را ارتقا می‌دهد و احتمال دارد به افزایش منابع مالی و حتی انباشت سرمایه منجر شود و در نهایت، عاملی جهت رشد اقتصادی باشد. مطابق گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، رشد یک درصد در اقتصاد زیرزمینی در کشورهای توسعه‌یافته، به رشد اقتصادی ۰/۱ تا ۰/۳ درصد منجر خواهد شد، اما این مقوله در کشورهای در حال توسعه به دلیل اقتصادهای متمرکز دولتی صادق نیست، به طوری که مطابق گزارش دیگری از IMF، رشد یک درصد در اقتصاد زیرزمینی نسبت به GDP در کشورهای در حال توسعه، موجب کاهش ۲۲/۱ درصدی در سرمایه‌گذاری‌های آن کشورها خواهد شد.

### بازارهای غیررسمی و پول ملی

## "تشویه" پول ملی

کاهش متواتر نرخ‌های بهره بانکی سبب شده است تا منابع وام‌دهی بانک‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. مضاف بر آن، همین کاهش نرخ بهره، عاملی بوده است تا صف‌های دریافت وام بانکی را طولانی‌تر نماید و نتیجه آن عدم تعادل هرچه بیشتر در نظام عرضه و تقاضای وام بانکی کشور بوده که فرار سرمایه از بانک‌ها به دلیل تورم‌های بالا و عدم توجیه‌پذیری سرمایه‌گذاری در نظام بانکی را می‌توان از نکات منفی این اقدام برشمرد که متأسفانه مقداری از این منابع، روانه بازارهای غیررسمی پول شده‌اند. علاوه بر این بسیاری از واحدهای تولیدی که واقعاً نیازمند وام‌های بانکی هستند، می‌باید برای رفع مشکلات نقدینگی خود به این بازارهای غیررسمی مراجعه کنند و عملاً نرخ‌های بسیار بالاتری را برای آن بپردازند. حال آن که بسیاری از این واحدها به دلیل عدم توانایی در بازپرداخت، در مهلکه ورشکستگی قرار می‌گیرند و اقتصاد کشور متحمل آسیب‌های بیشتری می‌گردد. به مشکلات فوق می‌باید عدم توسعه نظام اعتباری در بانکداری کشور را افزود که آثار نامتناسبی را بر بخش‌های اقتصادی به جای گذاشته و می‌گذارد. یکی از این آثار را می‌توان در ترویج بی‌بند و باری‌های اقتصادی جست و جو کرد. فقدان کارایی لازم نظام اعتباری در کشور، سبب شده تا گردش مبادلات، بیشتر به سوی نقدی شدن جریان داشته باشد که این امر بستری را برای پدیده کثیف پولشویی در کشورمان ایجاد می‌کند. استفاده از چک‌های بانکی و یا همان مبادلات نقدی که فاقد ثبت و ضبط در نظام قانونی و حسابداری ملی است، سبب می‌شود تا عملاً قدرت پیگیری وجوه آمد و رفت بانکی از بین برود. پیامد پولشویی از آن جهت منفی است که با انتقال سیگنال‌های غلط به کلیه بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی، عملاً تمامی سیاست‌های توسعه اقتصادی را از کار می‌اندازد. فروش نامناسب ارز و دلار توسط بانک مرکزی نیز معضل دیگری است که علاوه بر کاهش ذخایر ارزی کشور، سبب شده تا فعالان حوزه اقتصاد زیرزمینی بتوانند به راحتی، منابع پولی و ارزی حاصله از فعالیت‌های غیرقانونی خود را در بازار غیررسمی، به اصطلاح "سنسته" و از این طریق پولی که هیچ ردی برای پیگیری ندارد را وارد نظام بانکی کشور نمایند. بر این اساس، اتخاذ سیاست‌های بجا و ترمیم نظام بانکی کشور به همراه توسعه نظام اعتباری به جای پرداخت‌های نقدی و چک از احکام اولیه مبارزه با بازارهای غیررسمی پول و ارز به حساب می‌آید.

### نگاهی به اقتصاد زیرزمینی

دلایل بروز	پایامدها	راهکارهای «اقتصاد ایران» برای پیشگیری
اقتصاد دولتی و شبه دولتی	توسعه «اقتصاد راتی»، رابطه‌سالاری و کاهش اعتماد به اقتصاد	ورود بخش خصوصی واقعی به اقتصاد
فقدان فرصت‌ها	رشد قاچاق و ورود نیروی کار به بخش غیررسمی	توجه جلی به ایجاد شغل در شهرها به خصوص مناطق مرزی و محروم
فقر و فرصت‌های شغلی نامناسب	ترویج مشاغل کاذب و نابسامانی‌های اجتماعی	تلاش برای ریشه‌کنی فقر
توزیع نامتوازن درآمد	افزایش شکاف بین دهک‌های درآمدی و افزایش اختلاف طبقاتی	مشوق‌های درآمدی و تولیدی در بخش رسمی اقتصاد
مسائل بهره و ارز در سیستم بانکی	تلاطم نظام پولی و تشکیل بازارهای غیررسمی پول و ارز	اصلاح همزمان بازارهای پول، ارز و نظام مالیاتی
واردات به جای حمایت از تولید	کاهش قدرت رقابتی اقتصاد کشور	پایه‌گذاری نظام منطقی تعرفه‌ای
تورم	کاهش محصول ناخالص داخلی و عدم دستیابی به رشد پایدار	کنترل تورم از طریق انضباط پولی/مالی دولت
ضعف قانونی و نظارت نامناسب	پولشویی و تیرگی فضای اقتصادی کشور	ترویج نظام اعتباری به جای گردش چک و نقدی بودن مبادلات
فساد اقتصادی و مالی	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌پذیری داخلی و خارجی	استفاده از فن‌آوری و ابزارهای شناسایی اطلاعات ورود و خروج کالا
نظام مالیاتی فرسوده و ناتوان	کاهش منابع مالی دولت و رشد کسری بودجه	انضباط بودجه‌ای دولت
ریسک پایین برای قاچاقچیان	تهییج برای قاچاق بیشتر	افزایش ریسک قاچاق با محکومیت‌های جزایی و کیفری
بوروکراسی و فضای کسب و کار	رشد اقتصاد زیرزمینی، سایه و سیاه	تسهیل فضای کسب و کار